



کردن و شبهه‌سازی برای گروه‌های فکری اهل سنت و خصوصا برخی گروه‌های فلسطینی و اولویت‌های برخی کشورهای اسلامی که مشغول فشارهای تحمیلی بودند، توفیقاتی به دست آورد. حاصل این فتنه پنج ساله که با حمایت پرنارژی غربی و از تخاص عرب منطقه و همپیمانان امریکا همراه بود برای تغییر اسرائیل از دشمن به دوست تمام شده است. خسارات درآمدهای توریستی مناطق مختلف از ۲۶ درصد تا ۶۲درصد را بنا به گزارش سالانه مرکز پژوهش‌های پارلمان این رژیم، شامل می‌شود. در این مدت هزاران صهیونیست پاسپورت و تابعیت اسرائیلی خود را پس داده و از اسرائیل خارج شده‌اند که آمارهای رسمی آنها با وجود تلاش برای کم جلوه دادن آن به ۸هزار نفر رسیده است. آمارهای اسرائیلی تأکید دارد که بیش از نیمی از صهیونیست‌ها بر فقدان احساس امنیت تأکید دارند و مراجعت گسترده در رانیزرشک از فقدان شرایط روانی در جامعه صهیونیستی است.اگر انتفاضه‌سوم با کارداشیزخته شروع شد، در تریچا به روش‌ها و ابزارهای دیگر مانند حمله به صهیونیست‌ها با اتومبیل یا سلاح‌های دست‌ساز نیز گسترش یافته‌به جز شهرهای بزرگ و کوچک،شهرک‌های صهیونیستخنین رانیز در بر گرفته‌است.این در حالی است که صهیونیست‌ها با روش‌های پولی یا روابط ویژه با گروه‌ها و شخصیت‌هاوز-از گسترش انتفاضه‌واستمرار آن جلوگیری کنند.بهره‌براری دولت صهیونیستی از اوضاع نابه‌امان ترکیه و اردوغان آنها را آشتی با این کشور بااهداف مهارو اثر گذاری بر رشد اعتراضات و انتفاضه سوم قرار داده است.سوم این تأکید را دارد که مردم فلسطین نیازمند رهبری جدید مبارزاتی می‌باشند.

مبارزه جدید در ۶ ماه گذشته با تمامی مظلومی و ایثار از یکسو و خیانت و همراهی دولت خودگردان و دول عربی مرتجع که از مقامات اسرانیلی بارها در خوش خدمتی و برای سرکوب و مهار انتفاضه‌سوم از آنها تشکر شده‌است،به دلیل ابتکار عمل‌های ابداعی مردم فلسطین، دستگاه‌های امنیتی، نظامی و سیاسی صهیونیستی را در بن‌بست قرار داده و اعتراف می‌کنند که هیچ راهبردی در جز روش‌های ضدانسانی، اعدام‌های خیابانی، ویران کردن منازل شهدا،

۴ دور نما
هادی محمدی

ملی گرا، لاتیپک و چیگرابرای راهبری وامیدبخشی به جامعه فلسطینی در سال ۱۹۸۷ شکل گرفت واز دل آن گروه‌های انقلابی و اسلامگرا متولد شدند،انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ میلادی با شعار حمایت از بیت‌المقدس در مقابل تجاوز و حضور سران صهیونیست و آرپیل شارون در این مسجد و واکنش به ستراب بودن وعده‌های اسلو که تشکیل دولت فلسطین را غیرممکن نشان می‌داد،به راه‌افتاد و نفاق جهانی و غربی را که امیدوار بود،یا تکیه بر یاسر عرفات وبدون تحقق حقوق و خواسته‌های مردم فلسطین، اهداف تدریجی رژیم صهیونیست محقق شود،بر ملا کرد.قتل عرفات و سرکوب و کشتار در شهرک جنین در شمال کرانه باختری و اجرای سیاست‌های ترور کور رهبران جدایی و سکوت و همراهی دول مرتج عربی، حاصل این دوره بود تا شمله‌های اعتراض در فلسطین خاموش شود.اجزای اهداف مرحل‌های نیز با نام حکومت خودگردان فلسطین، در دست چهره های دست‌اموز قرار بگیرد.

حکومت خودگردان فلسطین مأموریت یافت تااز هز هزبنه‌های رژیم صهیونیستی بکاهد و به ویرتین فریب در جامعه فلسطینی تبدیل شده و لایه ولایه امنیتی برای کنترل و سرکوب امواج اعتراضی در مردم فلسطین را تشکیل دهد تا صهیونیست‌ها پس این آرامش و رها شدن از حضور مستقیم در مناطق فلسطینی اهداف تکمیلی برای تکمیل اشغالگری از طریق گسترش شهرک‌سازی وورود به مرحله جدیدی از پهنودی‌سازی قذش شریف را سرعت بخشند. تحولات جدیدی در بوعدا اسرائیلی و فلسطینی، معادلات جاری را بر هم زد. صهیونیست‌ها تا ۲۰۱۱ میلادی از یک قدرت بلانماج و برتر و کارآمد، به یک رژیم شکست خورده در جنگ‌های سه‌گانه با حزب‌الله در لبنان و گروه‌های جهادی در غزه تبدیل شد و گروه‌های جهادی فلسطینی نیز توانمندی‌های ذاهای خود را نهاده‌ین میدان این معادله جدید که از فرار صهیونیست‌ها در سال ۲۰۰۰ از جنوب لبنان آغاز شد نه برای غرب به عنوان حامی اصلی رژیم صهیونیستی و نه برای رژیم‌های همپیمان امریکا که در نهای صهیونیست‌ها پیوند عمیق فلسطینی قابل تحمل نبود. سران ارتجاع عرب در دوره رهبری عرفات نیز به دنبال مهار وی و رویکردهای آزادبخشانه ونیم بند در فلسطین بودند و پس از قتل عرفات، با جسارت بیشتری سیاست‌های نیابتی اسرائیلی را برای مردم فلسطینی و پایان دادن به آرمان و حقوق مردم فلسطین به اجرا گذاشتند. جنبش بیداری اسلامی که در آغاز بیشتر باز یگران بین‌المللی و منطقه‌ای را غافلگیر کرده بود، با سرعت به پوششی برای یک فتنه و فریب بزرگ و فرصتی برای تغییر معادله منطقه‌ای و به فراموشی وادار کردن افکار عمومی منطقه نسبت به دشمن اصلی خود که رژیم صهیونیستی بود، تبدیل شد. فتنه تکفیری گری و تروریسم، ابزاری برای تغییرات ژئوپلیتیک،براندازی نظام‌های سیاسی غیرهمسو، مهار و فرسایش جریان مقاومت و امنیت‌سازی برای رژیم صهیونیستی و حفظ دیکتاتوری‌های ارتجاع عرب قرار گرفت ولی با وجود هزینه‌ها و رسوایی‌های بزرگ به اهداف اصلی خود دست نیافت.

البته این جریان انحرافی و تروریستی هدایت‌شده، در الوده

۴ رویکرد
شکیب جاوید

در ابعادمختلف،قدس شریف در وجدان دینی، حافظه تاریخی و ذات معنوی مسلمانان جهان، جایگاه بیسی پرارزش و مقدس دارد. بزرگ‌ترین ظلمی که غرب استعماری به مشرق اسلامی اهل قبله نمود، حمله‌های صلیبی و اشغالگری‌های استعماری نبوده، بلکه کشتن غده سرطانی به نام «اسرائیل» است. این غده بدخیم و خبیث از زمان کاشتن آن در منطقه تاکنون مصیبت‌ها، محنت‌ها و دره‌هایی برای جامعه اسلامی و دیگر پیروان ایدان منطقه به بار آورده است.

اشغال قدس شریف در بی جنگ تجاوز کارانه ۵ ژوئن ۱۹۶۷، مرحله نایابی از مسیر محنت ورنج‌کش مسلمانان بوده، زیرا این شهر مقدس، در آینه تاریخ و تعالیم توحیدی، ارزش‌هایی معنوی و روحانی را زلود دارد. در مقابل، این شهر در تاریخ‌خانه اندیشه‌وایدنولوژی صهیونیستی، جایگاه‌استطوری‌واقسه‌ای خبیثی داشته که یکی از آنها بازسازی معبدالقبله‌ای سلیمان و احیای میراث ملک داولد است. این رژیم آرپیل تاندی و نژادپرست به مخض اشغال نماد صلح و روحانیت زلال، اقدام به ویرانی و آبن ویرن بردن نهادهای ارزشی و معنوی نمود و بسیاری از کوجه‌های قدس و اماکن تاریخی آن را که بوی تاریخ و جهان‌معنویت و قدسیت می‌دهد به تلی، از خاک‌وویرانه‌تبدیل کرد و به جای آن نماندها و وسیله‌های نفرت ابدی خود را انسانیت و معنویت برپا کرد. سیاست یهودی‌سازی قدس و فلسطین از همان آغاز تاسیس این کبان غاصب سرلوحه دولت‌های تروریستی و آمکش همچون بن گورین، گلدامیر، بگین و نتانیاهو بوده است. آتش زدن مسجداالاقصی در اوت ۱۹۶۹ سناریوی اعلامی و نماد آشکار سیاست یهودی‌سازی بود، اما متأسفانه مسلمانان در غفلت بودند. رژیم‌های کشورهای اسلامی در اعتراض به خردا آتش‌زدن مسجداالاقصی اقدام به تاسیس و پایه‌ریزی سازمان همکاری اسلامی نمودند ولی واقعا مسلمانان در این رهگذر از سازمانی که توسط شاه ایران فیصل سعودی تاسیس شده چه‌انتقادی می‌ننوند داشته‌باشند؛ از سازمان طی چهار دهه همچون اتحادیه عرب هیچ گامی در راه آزادی قدس و فلسطین بر نداشته و حتی یک معضل از جهان اسلام راحل نکرده است. برجسته‌ترین هدف صهیونیستی در اعمال سیاست یهودی‌سازی از میان بردن هویت اسلامی و عربی این شهر در ابعاد گوناگون بوده است.

یهودی‌سازی که بخشی از فرآیند یهودی‌سازی نظام سیاسی این رژیم است، در اندیشه سیاسی و ایدنولوژیکی صهیونیست‌ها به عنوان یک طرح راهبردی سرنوشته‌ساز مطرح است که این رژیم سعی دارد این سیاست راهبردی را در ابعاد مختلف و در سطوح گوناگون عملیاتی کند. تعیین قدس شریف به عنوان پایتخت ابدی این کبان نژادپرست، جدیت صهیونیست‌ها در

جهان

سرویس بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴

اتحاد صهیونیستی – عربی برای مهار انتفاضه فلسطین

با هر گونه رفتار اجتماعی در حمایت از فلسطین و آرمان آن مخالفت و آن را سرکوب و تمامی انرژی مالی، رسانه‌ای و سیاسی خود را برای نشان دادن یک دشمن جدید به جای رژیم صهیونیستی هزینه کرده‌اند.

به همین دلیل باید تأکید کرد که به جز جنبه اعتقادی برای دفاع از مظلوم یا قبله اول مسلمین و منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی یا ابعاد انسانی و بشردوستانه و قوانین بین‌المللی تنها تاره‌ا و مؤثر تر-تین روش برای عقیم گذاشتن پروژه پر سرعت پیوندهای علنی ارتجاع عرب با صهیونیست‌ها و قربانی کردن فلسطین و بیت‌المقدس و تبدیل اسرائیل به دوست عرب و کشورهای اسلامی و دشمن نشان دادن ایران و محور مقاومت حفظ جایگاه اصلی و پرچمداری مبارزه با رژیم اشغالگر و قاتل صهیونیستی است ولذا می‌توان به خوبی بر اهمیت ویژه روز قدس در سال جاری و فراتر از سال‌های قبل بی‌برد و این مسئله نه تنها بر انگیزه استمرار انتفاضه مردم مظلوم و بی‌دفاع فلسطین آثار بی‌تردیدی به جای می‌گذارد رژیم صهیونیستی را ز درون با فرسایش مرگبار مواجه می‌کند و بر ناکارآمدی آن خواهد افزود، بلکه بسیاری از راهبردهای غربی، صهیونیستی و ارتجاع عرب را که با ماهیت فتنه مذهبی، ایران را دشمن داشته و در مسیر ازمان‌های فلسطینی هیچ گامی از خود تروریسم یا حقوق بشر را فریبکاری به ایران منتسب می‌کنند، نقش بر آب خواهد کرد. جهان غرب، افکار عمومی عربی و اسلامی را با شفافیت درک می‌کند.

روز قدس در اسرائیل و سرزمین فلسطین هر یک از خود نشان نمی‌دهند. ادعای کلامی حمایت از فلسطین که توسط ارتجاع عرب در بوق‌های رسانه‌ای جار یست، در مقابل حمایت عملی و جایگاه رهبری ایران رنگ می‌یازد و اتهام رفتار طائفه‌ای و شیعی به ایران، در زمانی که ایران، حزب‌الله، انصارالله و تمامی گروه‌های مقاومت عراقی از مردم و گروه‌های سنی فلسطین دفاع می‌کنند، عمری بیش از یک حباب نخواهد داشت. اگر امام خمینی (ره) روز قدس را فراتر از فلسطین، به عنوان روز اسلام و دفاع از فلسطین و استیکار و روز احیای اسلام نامیدند، شاید با نگاه عمیق به اوضاع دشوار امروز و آینده امیدبخش فرداست تا صدف نفاق و همراهان شیطان و استیکار از صف دنیای اسلام و انسانیت جدا نشوند. چرا که نمی‌توان هم حامی مظلوم، عدالت و حقوق مردم فلسطین بود و هم دست در دست رژیم اشغالگر اسلامی منطقه پرداخت.

شاید بهترین توصیف را در کلام رهبری معظم انقلاب بپاییم که «فضیه فلسطین را کلید رمز الود گسترده شدن در های فرج به روی امت اسلامی» معرفی کردند لذا انتفاضه مردم فلسطین و فراز و نشیب‌ها و جابه‌جایی رویکرد و رفتارهای بازیگران، در مسیر یک بلوغ و بالایش نهایی است تا درهای رحمت و فرج الهی باز شوند و آن روز دیر نیست چرا که حتی اصلی‌ترین حامی صهیونیست در امریکا کیسینجر هم یک هفته قبل در کنفرانس هر تسلیا تأکید کرد که فرصت‌های ائتلاف با ارتجاع عرب نیز زود گذر است و آینده رژیم صهیونیستی با سرعت به تاریکی نزدیک می‌شود.

مردمان اصیل این شهر را ملغی می‌کنند.

۶- سیاست افزایش مالیات‌های شهرداری بر املاک؛ رژیم صهیونیستی با اعمال انواع مالیات‌ها فشار را بر دوش اهالی این شهر سنگین می‌کنند.

۷- سیاست‌های جداسازی و منزوی کردن قدس قدیمی از محلات و حومه خود. موضوع احیای «بای هیکل و ساخت ساز» هیکل سوم»، جایگاهی ویژه در ایدنولوژی و اندیشه صهیونیسم دارد و رژیم صهیونیستی سعی کرده مسجده الاقصی را ویران و به جای آن کاخ سلیمان و داوود بازسازی کند. درپاره عملیاتی کردن این اندیشه و طرح انسانی و تمدنی گروه‌های تروریستی و افراطی صهیونیستی سازمان یافته‌و در مناسبت‌های مختلف اعلام موجودیت کرده‌اند.

۱- گروه فاشیستی صهیونیستی «لیگ سخت گبران» که توسط لوری گرینبرگ در سال ۱۹۲۱ سازمان یافته و بازسازی ساختمان «هیکل» یکی از اهداف آن بوده است.

۲- گروه تروریستی «جناح اسرائیل» در نیمه ۷۰ تشکیل شد و طی ۴۰ روز ۱۳ عملیات تروریستی بر ضد اهالی قدس شریف انجام داد، از جمله طرح‌های آنها اتهام کامل مسجد قبه‌الصخره و مسجداالاقصی بوده است.

۳- جنبش‌های احیای «هیکل» طی سه‌دهه اخیر دهها گروه

و جنبش برای احیای هیکل سلیمان و نهادیم معالم اسلامی در قدس شریف توسط صهیونیست‌ها شکل گرفته است.

بر بررسی‌های مقایسه‌ای که درباره سیاست‌های کشورهای غربی در قبال قدس شریف به عمل آمده به روشنی مشخص می‌شود که سیاست امریکا در قبال قدس پیش از همه و در ابعاد مختلف با سیاست صهیونیستی انطباق و هم‌رایی دارد.

۱- استراتژی شهرک‌سازی و خریدن املاک اهالی؛ رژیم صهیونیستی از زمان اشغال شهر قدس به یهودیان بیگانه و خارجی اجازه ساختن شهرک داد و هم اکنون روند شهرک‌سازی، شهر قدیمی قدس را در خود می‌بلعد و بر هویت مذهبی و روحانی آن تأثیرات منفی فراوانی دارد.

این رژیم جهت یهودی‌سازی شهر و لغو هویت تاریخی و تمدن آن با سیاست‌ها و شرگده‌های گوناگون سعی بر حذف فیزیکی شهروندان اصیل و اهالی بومی این شهر داشته ولی

اهالی مقام و نستوه این شهر در قبال تمامی سیاست‌ها و اقدامات این رژیم از خود پایداری و مقاومت نشان داده‌اند. اخیرا این رژیم با همکاری برخی از تجار و شیوخ اعراب حاشیه خلیج فارس به ویژه تجار و شرکت‌های اماراتی اقدام به خرید منازل مردم بیت‌المقدس کرده و خیات اماراتی‌ها در این راستا بدون نتیجه‌بخش بوده است.

برای دفاع از قدس شریف و مسجد الاقصی آن باید از قضیه فلسطین و ملت مظلوم آن به سبک جهادی دفاع کرد و این قضیه را به عنوان قضیه اول و مرکزی هر مسلمان معرفی کند.

نقطه شروع اتحادیه اروپا با معاهده رم در ۱۹۵۷ بود که در آن موقع به نام جامعه اقتصادی اروپایی یا به صورت غیر رسمی بازار مشترک اروپایی خوانده می شد و این معاهده از سال بعد هم اجرایی شد. فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ و شش کشوری بودند که معاهده رم را امضا کردند و جامعه آنها با معاهده ماستریخت در ۱۹۹۳ به اتحادیه اروپا تغییر نام داد. بریتانیا از ابتدا در آن جامعه اقتصادی حضور نداشت و در ۲۳ ژانویه ۱۹۷۲ حاضر به عضویت در آن شد اما مخالفت‌ها از همان ابتدای کار باعث شد تا حدود سه سال بعد و در ۵ ژوئن ۱۹۷۵ همه برسی بر سر جدایی یا ماندن در این کشور بر گزار شود هر چند که نتیجه آرا بر ماندن بود. همین اشاره کوتاه نشان می دهد که بریتانیا هم دیر به جامعه اروپایی پیوست و هم اینکه پیوستن آن همانند دیگر کشورها و با یک اجماع عمومی نبود. شاید به دلیل آن که نحو عملکرد بریتانیایی‌ها بود که ژنرال دوگل با ورود بریتانیا به جامعه اروپایی مخالفت می کرد زیرا او معتقد بود که بریتانیا نقش اسب تروای امریکا در این جامعه را بازی می کند. حالا این اسب تروا با همه برسی ۲۳ ژوئن رأی به خروج از اتحادیه داده و باید دید که خروج چه عواقبی برای بریتانیا و اتحادیه اروپا دارد و خواهد بود.

■ **آشوب در داخل**

هواداران دواآتشه خروج آنقدر از نتیجه همه برسی ۲۳ ژوئن به وجد آمده بودند که خواستار نامیدن این روز به عنوان روز استقلال بودند. این وجه و ششادی در حالی بود که روز بعد از همه برسی آشوب سیاسی در همان ساعات اولیه بعد از معلوم شدن نتیجه همه برسی آشکار شد. دیوید کامرون در مقابل خبرنگاران حاضر شد تا کنار گیری خود را از مقام نخست‌وزیری کشور اعلام کند و از حزب حاکم محافظه کار خواهد چون به دلیل مخالفت با خروج نمی تواند ناخدای کنتی باشد که به سوی خروج از اتحادیه حرکت می کند تا چهار ماه بعد جانسنینی برای او تعیین کند. سران سرزب کارگر که از اول با رهبری جرمی کوربین دلخوشی

۴ چالش

دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم زاده

گرفتاری انگلیس در باتلاق خروج از اتحادیه

شرکت کند اما زود معلوم شد که دیگر جایی در میان سران اتحادیه ندارد و نشست بدون حضور او انجام شد. این عدم حضور برای او غیرمنتظره بود زیرا هنوز عضو بریتانیاست و بنا بر قاعده، او حق داشت تا در این نشست حضور داشته باشد. در واقع، نشست سران اتحادیه بدون کامرون پیام آشکاری به او بود که اتحادیه قصد اتخاذ موضعی قاطع در برابر او دارد و این موضع در سخنان انگلا سرکل، صدر اعظم آلمان هم روشن شد. مرکز گفت که اول بریتانیا باید درخواست رسمی جدایی از بریتانیا را به بروکسل بدهد تا بعد روند مذاکرات در مورد روند و شرایط جدایی بر اساس بند ۵۰ معاهده بروکسل شروع بشود. این موضع از سوی فرانسوا اولاند، رئیس جمهور فرانسه، متضو رزی، نخست‌وزیر ایتالیا و ژان کلود یونکر، رئیس کمیسیون اروپا هم مطرح شد تا معلوم بشود که موضعی اینکه در برابر بریتانیاست. بند ۵۰ معاهد در مورد خروج عضو اتحادیه است این می‌تواند دو سال هم طول بکشد و اصرار کمین مقامات برای ندادن فرصت به بریتانیا برای رفتن در برابر این روند است. علاوه بر این، کاسرون و دیگر همکاران او در لندن امیدوارند که با وجود خروج از اتحادیه اما قبل از کلید خوردن این بند حداقل امتیاز ماندن در بازار مشترک و منافع مالی آن را از اتحادیه بگیرند اما مرکز به روشنی گفته که نمی‌توان بر خوردار از منافع اتحادیه بدون تقبل تعهدات آن بود. سرکل و دیگران در اتحادیه به این نحو قصد سختگیری بر بریتانیا دارند تا به دیگر اعضای اتحادیه بفهمانند که اگر قصد خروج از اتحادیه را دارند باید منتظر چنین سختگیری بوده و دیگر نمی‌توانند بر خوردار از امتیازات اتحادیه باشند. حذف عوارض گمرکی، سرمایه‌گذاری مستقیم و تبادل تجاری آزاد از جمله مزایای عضویت در اتحادیه است که سختگیری بر بریتانیا به معنای حذف این امتیازات و فشار اقتصادی بر این کشور است که می‌تواند درس عبرتی برای هر کسی در اتحادیه باشد که خیال جدایی از آن دارد.

■ **سود و زیان**

هنوز مدت زیادی از رأی خروج در ۲۳ ژوئن



نگذشته که نشانه‌های اولیه سود و زیان این رأی نمودار می‌شوند. آشوب سیاسی در داخل بریتانیای متحد و فشار اقتصادی به دنبال خروج از اتحادیه همین حالا آشکار شده است که باید گفت این جریان بعد و با شروع روند جدایی تشدید هم خواهد شد. از سوی دیگر، اتحادیه اینک ده سال‌ها می‌تواند نفس راحتی به دلیل بیرون رفتن اسب تروای امریکایی از میان خود بکشد. باید توجه داشت که بریتانیا طی این سال‌ها در عمل حکم اسب متاع داشت تا اتحادیه اروپا مجبور باشد خط و رسم تعیین شده از سوی امریکا را دنبال کند و برای مثال می‌توان به لشکر کشی امریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ اشاره کرد که همراهی بریتانیا با امریکا در این لشکر کشی باعث شد اتحادیه نتواند موضع واحدی داشته باشد با وجود اینکه آلمان و فرانسه آشکارا مخالف آن بودند. بنابراین اتحادیه اروپا بسا بیرون رفتن بریتانیا می‌تواند به سوی همگرایی سیاسی منسجم‌تری حرکت کند و دیگر قیل و قال‌های بریتانیایی مزاحم این مسیر نمی‌شود. این مسیر در عرصه بین‌الملل هم خود را نشان می‌دهد چرا که آلمان و فرانسه بیشتر مایل به حفظ تعادل در روابط خود با روسیه هستند به نحوی که نقطه توازن در تعارض بین روسیه و اتحادیه باشند اما این بریتانیا بود که با برهم زدن تعادل سعی داشت تا کفه اتحادیه بیشتر به سمت امریکا سنگینی کند. بنابراین اتحادیه با خروج بریتانیا از لحاظ سیاسی در جمع خود و در عرصه بین‌الملل سود خواهد کرد. گذشته از اینکه ضرر اقتصادی بر بریتانیا به طور مسلم بسیار بیشتر از اتحادیه خواهد بود. بعد از ۲۳ ژوئن این پوند بریتانیا بود که سقوط داشت اما یوروی اتحادیه به سقدن برخورد اتحادیه اروپا با ۲۳ ژوئن بعد از اظهار نظر‌های اولیه که بیشتر ناسف‌بار بود، مبدل به سیاستی قاطع در برابر بریتانیا شد. کامرون روز سه شنبه ۲۸ ژوئن یا فقط پنج روز بعد از همه برسی خروج در بروکسل بود تا برای آخرین بار در نشست سران اتحادیه